

ارزیابی ناسازگاری ساختار کالبدی با بافت اجتماعی

محله قلعه چهارلان شهر سنندج

محمد شیخی

استادیار گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه علامه طباطبایی

m.shaikhi3000@gmail.com

لادن رشیدبانی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه علامه طباطبایی

پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۹

دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۶

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی میزان انطباق ساختار کالبدی با ساخت و بافت اجتماعی و جمعیتی محله قلعه چهارلان شهر سنندج و ارائه راهکارهایی، جهت ساماندهی محله بود. این تحقیق، از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد، که از طریق پیمایش و برداشت‌های میدانی و تهیه و توزیع پرسش نامه در بین ساکنین محله و تجزیه و تحلیل نتایج پرسش نامه با استفاده از نرم افزار آماری (spss)، تاثیر ساختار کالبدی بر بافت اجتماعی محله بررسی شد؛ و از داده‌های ثانویه، نظیر (عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای، طرح‌های جامع و تفصیلی، سالنامه های آماری، سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی)، جهت بررسی چگونگی تغییرات ساخت و بافت کالبدی و اجتماعی محله قلعه چهارلان، در طول زمان استفاده شد. نتایج تحقیق بیانگر این است که، در بین بیشتر عوامل تشکیل دهنده ی ساختار کالبدی محله قلعه چهارلان با بافت اجتماعی آن، سازگاری و انطباق لازم وجود ندارد. در نهایت با توجه به دوران گذار تاریخی محله و وضع موجود اکنون آن، برای ارائه ی راهبردهایی در جهت ساماندهی محله قلعه چهارلان، به تحلیل ساختار کالبدی آن، با استفاده از روش تحلیل سوات به روش فازی سازی، با بررسی پرسش نامه های توزیع شده در بین متخصصین، کارشناسان و دانشجویان، در ارتباط با نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید های محله به این نتیجه رسیدیم که، اتخاذ راهبردهای تدافعی در این محله، می توانند در ایجاد انطباق و سازگاری بین ساختار کالبدی و بافت اجتماعی محله مورد مطالعه مفید باشند.

واژگان کلیدی: ناسازگاری، ساختار کالبدی، بافت اجتماعی، محله قلعه چهارلان

طرح مساله و ضرورت تحقیق

بافت کالبدی و اجتماعی محله تأثیر متقابل بر همدیگر دارد و گاهی بافت کالبدی زمینه‌ساز مسائل اجتماعی است (رستگار و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۴). بافت کالبدی محله به‌عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه از انسجام و پیوستاری خاص برخوردار بود. این ساختار به‌مرور و با در نظر گرفتن تمایلات، سلیق و نیازهای ساکنین با تکیه بر آزادی‌های آنان ادامه پیدا کرد به‌نحوی که بیانگر نظام اجتماعی و فرهنگ شهرنشینی آن دوران است. محله‌ها در شهرهای تاریخی دارای عناصر و روابط منسجم و هوشمندانه‌ای بودند که حیات و رفاه ساکنین خود را تأمین می‌کردند (زرقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲۶). ساختار محلات قدیمی به دلیل یکدستی فضاها، کالبدی و انسجام در سکونت، داشتن بار فرهنگی زیاد، پاسخگو بودن به نیازهای جمعیت رو به تزاید و وجود عناصر و المان‌های بارز تاریخی در درون خود، دارای ارزش و اهمیت است. ساختار محلات قدیمی در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای روز ساکنین خود ساخته می‌شدند در نتیجه بافت جمعیتی، هم‌خوانی و سازگاری لازم را با ساختار محله داشتند؛ اما امروزه این بافت‌ها دچار فرسودگی کالبدی و عملکردی شده و ساکنان قدیمی به مرور زمان از محله خارج و افراد جدید از جاهای دیگر به دلیل مهاجرت و مشکلات اقتصادی جایگزین ساکنان قدیمی می‌شوند؛ و این ساکنان جدید سازگاری لازم را بافت محله نداشته و موجب ناسازگاری بین ظرف (کالبد) و مظروف (جمعیت) و ایجاد مشکلات زیادی از قبیل کاهش ایمنی و امنیت اجتماعی، کاهش حس تعلق به محله، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و تعاملات و ارتباطات میان ساکنین و از دست رفتن هویت اجتماعی محلات شده است. محله‌ی قلعه چهارلان نیز که بافت قدیم سندج قرار گرفته و از محله‌های کهن و بزرگ شهر که در مجاورت مسجد جامع شهر قرار گرفته است محسوب می‌شود؛ دارای تاریخ و بعد هویتی قوی می‌باشد. این محله با وجود داشتن کالبدی هویت مند و عناصر تاریخی دارای مشکلاتی همچون: نبود و یا کمبود حس تعلق اجتماعی ساکنین غیر بومی به محله، کم بود روابط همسایگی بین ساکنین محله، نداشتن حس مسئولیت ساکنین نسبت به مشکلات محله، فرسودگی بافت و پایین آمدن ضریب نوسازی به دلیل وجود اقشار ناتوان از لحاظ اقتصادی، پاسخگو نبودن ساختار کالبدی

محلّه به نیازهای روز ساکنین و نبود امنیت اجتماعی به واسطه ی حضور معتادین و مجرمان در محلّه می باشد. محلات مسکونی با توجه به تغییر در سبک و الگوی زندگی ساکنان امروز شهرها باید بتوانند به نیازهای روز ساکنین خود پاسخ دهند و با فراهم آوردن کالبدی مناسب آرامش و امنیت را برای ساکنین خود ایجاد کنند. در محلّه قلعه چهارلان به عنوان یکی از محلات تاریخی ولی فرسوده شهر سنجیدگی بسیاری از شرایط موجود ساختار کالبدی تأثیرات منفی بر جنبه های اجتماعی محلّه گذاشته است به عنوان مثال به چند نمونه از آن اشاره می کنیم: نبود رابطه ی متعادل بین توده و فضا و پایین بودن سهم فضاهای باز و قدمت بالای بیشتر از هفتاد درصد واحدهای مسکونی موجود در محلّه، کمبود ایمنی ساکنین را در هنگام بروز خطر و سوانحی چون زلزله را کاهش داده است؛ هم چنین نفوذ ناپذیری بیشتر از نصف معابر درون محلّه، ورود و عبور و مرور وسایل نقلیه امداد رسان را در هنگام وقوع سانحه، مشکل و غیرممکن کرده است. کمبود فضاهای عمومی تعاملات اجتماعی و آشنایی و ارتباط بین همسایگان را کاهش داده است. تک عملکردی بودن محلّه و کمبود فضاهای متنوع با کاربری های گوناگون در آن که بتواند پاسخ گوی اقشار مختلف با سلیقه و سنین متفاوت باشد و تنها فضای قابل استفاده برای ساکنین که برای گفت و گو و تعاملات فضاهای جلوی درب منازل و مغازه ها هستند. همچنین محیط محلّه ی قلعه چهارلان از لحاظ امنیت نیز در جایگاه مناسبی قرار نگرفته است، فضاهای رها شده و ساماندهی نشده از عوامل ایجاد نا امنی در برخی از مواقع شبانه روز به خصوص در شب ها می باشد، کوچه های بن بست و محصوریت بیشتر معابر درون محلّه نیز به دلیل تبدیل شدن آن به مکان جمع شدن معتادین و بزهکارین، امنیت شبانه محلّه را کاهش داده و رفت و آمد و عبور و مرور ساکنان محلّه را با مشکل مواجه کرده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به پژوهش هایی که در ارتباط با محلات انجام شده است بیشتر آن ها یا ابعاد اجتماعی محلّه را به تنهایی مورد تأکید قرار داده اند و یا صرفاً به ابعاد کالبدی تشکیل دهنده ساختار محلّه ها بسنده کرده اند. اما هدف از این پژوهش کنار هم گذاری دو ساختار کالبدی و اجتماعی در محلات بود که بتوان رابطه ی بین آن ها و سازگاری یا عدم سازگاری این دو با هم دیگر را سنجید. با توجه به

پژوهش هایی که در ارتباط با محلات انجام شده است بیشتر آن ها یا ابعاد اجتماعی محله را به تنهایی مورد تاکید قرار داده اند و یا صرفاً به ابعاد کالبدی تشکیل دهنده ساختار محله ها بسنده کرده اند. Al-Bishawi (۲۰۱۵) در مقاله ای به بررسی تغییرات کالبدی، رفتار جمعی و اجتماعی اقتصادی در در محلات سنتی شهر نابلس پرداخته است، هدف از این مقاله بررسی رابطه بین رفتار اجتماعی، فضای فیزیکی، و وضعیت اجتماعی اقتصادی در محله های سنتی و درک اصول طراحی در این محله ها، پرداخته است. به حضور زنان و امنیتی که ساختار کالبدی باید برای آنان فراهم کند اشاره می کند و معتقد است در فرهنگ آسیا زنان بیشتر به حریم خصوصی اهمیت داده و در خانه های تک واحدی نسبت به خانه های چندواحدی احساس امنیت بیشتری می کنند. این مسئله در محیط های سنتی نسبت به محیط های مدرن بیشتر خود را نشان می دهد. همچنین نویسنده معتقد است که به طور مثال اشکال جدیدی از کافی شاپ های مختلف در قاهره بیشتر توسط زنان طبقه ی متوسط استفاده می شود. پس به نوعی به تاثیر اقتصاد خانواده ها هم در نحوه ی نگرش و استفاده از فضاها اشاره می کند. هاتفی شجاع (۲۰۱۶) در مقاله ای به مقایسه ساختار کالبدی دو محله سنتی حاجی و کولاپا شهری همدان بر اساس نظریه کریستوفر الکساندر^۱ محلات مورد مطالعه خود را با ۱۵ شاخص تشکیل دهنده این نظریه که بر زندگی اجتماعی ساکنین اثر گذار می باشد را بررسی می کند این شاخص ها عبارتند از: سطوح متفاوتی از مقیاس، مراکز قوی، مرزها، تکرار متناوب، فضاهای مثبت، شکل خوب، تقارن محلی، ابهام و بهم پیوستگی عمیق، تضاد، زبری و خشونت کالبدی در ایجاد فضاهای ناهگون، شیب، پژواک (مراکز کوچکتر که مراکز بزرگتر را ایجاد می کنند)، فضاهای خالی، سادگی و آرامش درونی و نبود ازهم گسیختگی فضایی؛ طبق بررسی این شاخص ها، ساختار کالبدی محلات سنتی به دلیل اندام واره بودن از الگوی مشخصی تبعیت نکرده و برخی از فضاهای موجود در آن نقش چندان مهمی ایفا نمی کنند. در نهایت به این نتیجه رسیده است طبق نظریه الکساندر از میان عوامل تشکیل ساختار هندسی محلات سنتی که بر زندگی اجتماعی افراد اثر می گذارد عواملی همچون: اتصالات فضایی، زبری و خشونت کالبدی در ایجاد فضاهای ناهگون، تضاد، سطح متفاوتی از مقیاس ها، مراکز قوی و مرزها نقش مهم تر و بیشتری ایفا می کنند. Lenzi (۲۰۱۳) تاثیر ویژگی های کالبدی و نهادی محلات بر شکل دهی تعاملات و ارتباطات

¹ christopher Alexander

اجتماعی ساختار کالبدی محله را ناشی از تمام عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌داند و معتقد است که ساختارهای کالبدی ضعیف در محلات می‌توانند مانع ایجاد روابط اجتماعی قوی شوند. به طور مثال وجود فضاهایی که منجر به دیدارهای اجتماعی، برگزاری جلسات بین ساکنین و بروز فعالیت‌های اجتماعی شود می‌تواند در ارتقاء تعاملات اجتماعی ساکنین محله تاثیرگذار باشد. فرهودی و رهنمایی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران، ابتدا به تعریفی از مفاهیم مختلف محله می‌پردازد. معتقدند که اغلب این متخصصین در تعریف خود یا بر عوامل کالبدی و فیزیکی محله و یا بر عوامل اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده‌اند، البته این موضوع ناشی از ماهیت خود محله است که ماهیت اجتماعی و کالبدی را توأم دارد. در ادامه در ارتباط با علل شکل‌گیری محله بحث می‌کند و معتقد است که تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی، کالبدی و فرهنگی باعث جدا شدن تدریجی محله‌ها از هم شده و معتقدند آنچه باعث قوام و شکل‌گیری محله‌ها در طول تاریخ شده اتحاد و همبستگی و انسجام اجتماعی در میان افراد محله بوده است. در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل مرزبندی محلات قراردادی با استفاده از نقشه‌های شناختی ساکنان مؤلف عمیدالسلام ثقه‌الاسلامی در تعریف مفهوم محله دو نگرش را مورد بررسی قرار داده است: محله به عنوان واحد کالبدی-فضایی و محله به عنوان واحد اجتماعی و کالبدی-فضایی در نگرش اول محله با تأکید بر مفاهیم فضایی و عناصر مختلف کالبدی تعریف شده و در این نگرش محله می‌تواند بسترهایی را برای برقراری ارتباط و پیوستگی و تعاملات اجتماعی ساکنین فراهم نماید. در نگرش دوم مفهوم جامع‌تری از محله تعریف می‌شود که علاوه بر مفاهیم کالبدی-فضایی مفاهیم اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد دزفولی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان بازتعریف محله‌های اصیل در سایه‌ی اقتضائات شهرسازی مدرن ویژگی‌های مهم محله را وجود شبکه‌های روابط محله‌ای و هویت محله‌ای می‌داند که باعث پیشگیری ساکنین از رفتن به سمت هنجارهای اجتماعی می‌شود. و معتقد است که اگر تغییری در ساختار شبکه‌های روابط و هویت محله‌ای ایجاد شود معلول تغییرات در عناصر شهری است. انهدام واحدهای اجتماعی محله‌ای در شهرهای بزرگ بدون تأسیس فرم پایدار و کارکردی جایگزین تنها نمونه‌ای از آثار منفی توسعه‌ی کلان‌شهرها می‌باشد. محلات شهری در گذشته به دلیل نزدیکی مکانی اعضا و احساس تعلق مکانی برای ایفای نقش‌های اجتماعی فرصت‌های خوبی را فراهم کرده و نیازهای روانی و عاطفی ساکنان را فراهم می‌کرد.

مضطرزاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین مفهوم محله و عناصر شکل‌دهنده‌ی آن در بافت سنتی محلات ایران به تعریف جامعه‌ی محلی می‌پردازد در این تعریف او جامعه‌ی محلی را گروهی از مردم با روابط و منافع مشترک، افرادی که در یک ناحیه‌ی تعریف‌شده کار و زندگی می‌کنند می‌داند. در ادامه در تعاریف محله انواع تعاریف را در نظر می‌گیرد که شامل: تعریف محله به‌عنوان یک واحد فرهنگی، یک واحد اجتماعی، یک واحد سیاسی و یک واحد فضایی. عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ساختار فضایی محله را ورودی، شبکه‌های دسترسی محله‌ای، مرکز محله، فضاهای سکونتی. درنهایت خصوصیات کالبدی محلات سنتی را مواردی از قبیل: کالبد محلات سنتی و اندازه و وسعت و اندازه محلات به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و مصالح و فن ساختمان بستگی داشت، فضای داخلی محلات جنبه‌ی نیمه‌خصوصی داشت و کم‌تر محل تردد افراد بیگانه بود و برای استفاده اهالی محله بود و همچنین سیما و منظر محلات سنتی ایران هماهنگ و متناسب بود.

مبانی و چارچوب نظری

محله قسمتی از شهر است که ساکنین آن بر اساس اشتراکاتی همچون اشتراک زبانی، قومی، دینی، مذهبی، صنفی و پیشه‌ای گرد هم آمده و اجتماعی منسجم و هم‌گن را تشکیل می‌دهند. (فرهودی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴) محل و محله عبارت است از شهر یا قسمتی از شهر که، علاوه بر، ویژه بودن شرایط جغرافیایی مکان و صفات شکلی یا ریختی ساکنین، نظام ویژه‌ای از صفات رفتاری که نتیجه دین، عقیده و فرهنگ انسانی خاص ساکنین آن محل یا محله است بر آن حاکم است (علی‌آبادی، ۱۳۸۳: ۵) مفهوم اجتماعی محله به‌وسیله مجموعه‌ای از ارتباطات و تعاملات اجتماعی تعریف می‌شود. محله فرم اولیه سازمان اجتماعی است و افرادی را شامل می‌گردد که دارای ریشه و تاریخ مشترک می‌باشند. نگرش اجتماعی به مفهوم محله به‌صورت؛ قوی در مفهوم محله‌ای در تاریخ شهرنشینی در ایران وجود داشته است (ثقل‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۳)

در اندیشه پارسونز، روابط اجتماعی با عناصر فیزیکی و آرایش ارضی گره‌خورده است. وی اشاره می‌کند که جهت‌گیری دو عامل وجه اجتماعی کنش و موقعیت فیزیکی همواره مرتبط با ارگانیزم است، این بدین معناست که موقعیت ارضی ذاتاً در تمام کنش‌ها وجود دارد. بدین ترتیب پارسونز

توجه ما را به سوی اهمیت الگوهای آرایش فضایی اشیاء در جهان فیزیکی برای واقعیت‌های اجتماعی سوق می‌دهد وی معتقد است که موقعیت‌ها در جهان فیزیکی به دلیل اهمیت اجتماعی‌شان با اهمیت‌ترند (شاطریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۷) از طرفی ایماس راپورت نیز دارای نظریاتی در مورد رابطه‌ی بین ساختار کالبدی با عوامل و بافت اجتماعی است به عقیده او موقعیت اجتماعی است که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد ولی محیط کالبدی اشارات را تعیین می‌کند؛ نابراین فرد بر اساس معنی هر شیئی با آن برخورد می‌کند و اشیاء به افراد می‌گویند چطور رفتار کنند. سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی اشاره‌های ثابتی را ارائه می‌دهند که کمک به تغییر شرایط می‌کند و به افراد کمک می‌کند رفتار مناسبی داشته باشند. در این رابطه محیط ساخته‌شده یک سری اشاره‌های مهم دارد که بخشی از آن توسط تقویت حافظه است اما اشارات باعث رفتار مناسب می‌شود بیشتر محیط‌های سنتی، محیط‌هایی را برای گروه‌های خاص تعیین می‌کنند و رفتار و شخصیتی را که انتظار دارند با اشاره‌های کالبدی به مردم یادآوری می‌کنند. لذا اغلب به‌طور خودکار عمل می‌کنند (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۶۶، ۶۹، ۲۱۲) پس می‌توان نتیجه گرفت که به‌طور مثال به‌طور مثال تخریب محیط کالبدی و علائم عدم توجه به آن به عنوان علائم فرسودگی اجتماعی تعبیر می‌شود و ممکن است موجب ایجاد ناامنی و افزایش جرم و برهکاری در محیط گردد. همچنین وجود نشانه‌ها و اماکن هویت‌زا در یک محیط می‌توانند در ایجاد و القای حسی هویت‌مند به ساکنین آن محیط نقش بسزایی داشته باشند. به عبارتی ساختار قدیمی و معماری با هویت محله با وجود عناصر تاریخی می‌تواند در ایجاد هویت اجتماعی بین ساکنین موثر باشد، چگونگی رابطه بین توده و فضا، وجود و یا عدم وجود فضاهای باز عمومی، قدمت و کیفیت ابنیه موجود در محله و ... می‌تواند بر ایمنی ساکنین در هنگام بروز سوانحی چون زلزله موثر باشد، وجود فضاهای عمومی، پارک و ...، نحوه‌ی عملکرد و نقش محله و چگونگی پاسخ‌گویی آن به نیازها، سلیق و قشرهای مختلف می‌تواند بر ایجاد روابط اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنین موثر باشد همچنین داشتن نقشه‌ی خوانا و رعایت سلسله مراتب قلمروهای فضایی و روشن بودن مرز بین آن‌ها می‌تواند منجر به افزایش امنیت اجتماعی شود.

هدف تحقیق

بررسی میزان انطباق ساختار کالبدی با ساخت و بافت اجتماعی و جمعیتی محله قلعه چهارلان و ارائه راهکارهایی جهت ساماندهی محله

سؤالات تحقیق

۱. آیا بین ساخت و بافت کالبدی و اجتماعی محله قلعه چهارلان در حال حاضر انطباق وجود دارد؟
۲. برای ساماندهی کالبدی و ایجاد تعادل و پایداری اجتماعی محله چه راهبردها و راهکارهایی قابل توصیه است؟

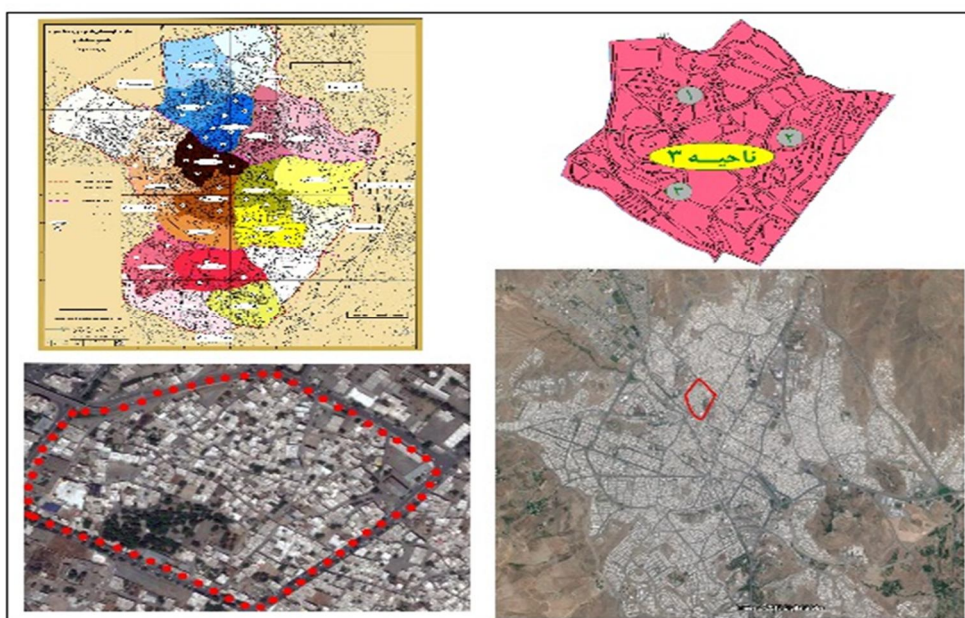
روش شناسی تحقیق

روش انجام این تحقیق از لحاظ هدف با توجه به اینکه سعی در رفع نیازمندی های بشر و بهبود زمینه سازی الگوی مناسب جهت توسعه و رفاه و آسایش ساکنین و ارتقای سطح زندگی انسان مورد استفاده قرار می گیرد از نوع تحقیقات کاربردی است و بر اساس ماهیت روش با توجه جهت گردآوری مبانی نظری و معیارهای مورد مداخله در تحقیق از روش کتابخانه ای_اسنادی و پیمایشی استفاده می شود. که با استفاده از جمع آوری اطلاعات و آمار مورد نیاز از شهروندان در ارتباط با ساختارهای کالبدی و اجتماعی محله مورد مطالعه که با کاربرد پرسشنامه در قالب انجام عملیات میدانی و همچنین مصاحبه با برخی ساکنین و در نهایت عکس برداری و برداشت میدانی از محل صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق کلیه ساکنین محله قلعه چهارلان هستند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران جمعیت آن برابر ۲۳۲۷ نفر می باشند. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵٪ حجم نمونه برابر ۳۲۹ نفر است. در این تحقیق جهت عدم دخیل کردن معیار خاصی از تمامی شهروندان به روش تصادفی نمونه گیری شده است. در نهایت برای ترسیم و تحلیل نقشه های وضع موجود ساختار کالبدی محلات از نرم افزارهای Arc GIS و AutoCAD استفاده کردیم. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش تجزیه تحلیل کمی و کیفی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل کمی با استفاده از نرم افزار spss در قالب آمار توصیفی

است و تجزیه و تحلیل کیفی از طریق انجام تحلیل گرافیکی، مقایسه و سنجش تصاویر، عکس برداری و برداشت میدانی از محل صورت گرفته است. همچنین با استفاده از روش فازی سازی سوات^۲ با توزیع پرسش نامه در بین ۲۰ نفر متخصص (دانشجویان و اساتید آشنا به محله) نوع راهبرد مداخله مشخص گردیده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

محله قلعه چهارلان در منطقه یک ناحیه سه شهرسندج در قسمت شمال شرقی بافت قدیمی شهر قرار گرفته است. از شمال به محله جور آباد و از سوی جنوب به محله قطارچیان و تازآباد، از سمت غرب به محله سرتپوله و خیابان شهدا و از سمت شرق به محله شیخان و محدود شده است. این محله دارای بافتی تاریخی بوده و جز چهار محله اصلی تشکیل دهنده ی هسته شهر سندج می باشد و آثار ثبت شده میراث مانند سردر تاریخی اشرف نظام، منزل معمار باشی، مسجد وزیر و مسجد دارالحسان (مسجد جامع شهر سندج) در آن وجود دارد.



شکل ۱: نقشه موقعیت محله قلعه چهارلان در شهر سندج

² SWOT_Fuzzy

۸. بررسی ارتباط ساختار کالبدی محله با ساخت و بافت اجتماعی آن: در محله شاخص های کالبدی مانند رابطه بین توده و فضا و وجود فضاهای باز عمومی، نفوذ ناپذیری معابر محله، قدمت و کیفیت واحدهای مسکونی، سلسله مراتب معابر درون محله، فضاهای متباین و فضاهای عمومی، انعطاف پذیری، دیدهای هویت زا، وجود ساختمان های تاریخی و نشانه ها در ساختار کالبدی محله بررسی شده است و در پژوهش سعی شده است، میزان سازگاری شاخص های کالبدی با چهار پارامتر اجتماعی موجود و بارز در محله یعنی؛ امنیت، ایمنی، هویت و انسجام اجتماعی بررسی شود. این بررسی، ارتباط، سازگاری و یا عدم سازگاری بین شاخص های کالبدی و شاخص های اجتماعی در محله را بررسی می کند.

۹. بررسی تاثیر عوامل کالبدی بر ایمنی محله:

۹-۱ بررسی رابطه بین توده و فضا و وجود فضاهای باز عمومی (پارک و معابر) در برقراری ایمنی در بافت در هنگام وقوع سانحه: ۵۶/۴۲ درصد محله را توده (فضاهای پر)، و ۴۳/۵۸ درصد محله را فضاهای خالی تشکیل داده است. یعنی توده سهم بیشتری از محله را شامل می شود همچنین ۲۵.۵۴ درصد از مساحت کل محله را فضاهای باز تشکیل داده است، که دلیل آن را می توان محصوریت و داشتن عرض پایین معابر و نداشتن فضاهای باز کافی در محله عنوان کرد. طبق نظر سنجی از ساکنین ۳۴.۶۶ درصد از آنان عدم تعادل بین توده و فضا را در محله از عوامل کاهش ایمنی در هنگام وقوع زلزله عنوان کرده اند و ۳۰.۴۰ درصد از آنان پایین بودن سهم مساحت فضاهای عمومی شامل پارک ها و معابر را از بیشترین دلایل کاهش ناامنی و ایجاد خطرات و آسیب های جانی و مالی در هنگام وقوع سوانح بیان کرده اند.

جدول شماره ۱: تاثیر رابطه ی بین توده و فضا و وجود فضاهای باز بر ایمنی بافت محله طبق نظر ساکنین

فرآوانی	درصد	دلایل به خطر افتادن ایمنی محله در هنگام وقوع سانحه
114	34.66	زیاد بودن سهم فضاهای ساخته شده نسبت به فضاهای ساخته نشده
100	30.40	کمبود فضاهای باز در داخل بافت محله
72	21.89	تنگی و محصوریت معابر موجود درون محله
43	13.06	پایین بودن سطح زیربنای واحدهای مسکونی محله
329	100	کل



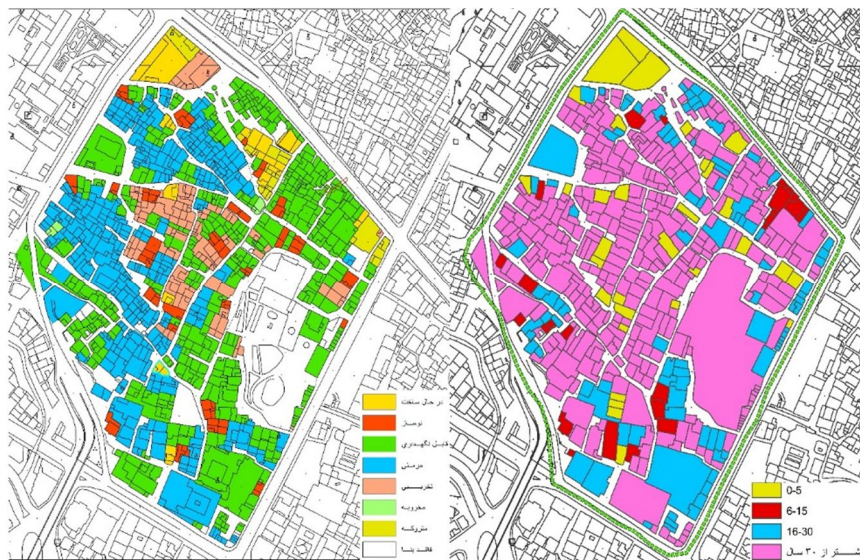
شکل ۲: فضاهای باز موجود در محله

تاثیر نفوذناپذیری بالای معابر بر عبور و مرور وسایل نقلیه ی امداد رسان در هنگام خطر: مطابق با نقشه ی نفوذناپذیری معابر محله قلعه چهارلان، معابر زیر ۶ متر که به عنوان معابر نفوذناپذیر تعریف می شوند، ۷۶/۵۶ درصد از معابر کل محله را تشکیل داده. هم چنین با توجه به نظر خواهی از ۳۲۹ نفر از ساکنین محله ۷۵ درصد از آن ها میزان رضایت از امداد رسانی خودروهایی همچون آمبولانس ، آتش نشانی و ... را کم و خیلی کم عنوان کرده اند . همچنین از ساکنین دلایل کمبود خدمات رسانی خودروهای امداد رسان به داخل بافت محله پرسیده شد. که ۵۰ درصد از ساکنین تنگی و محصوریت بالای معابر درون محله را دلیل این امر دانسته اند.



شکل ۳: نفوذناپذیری معابر درون محله

تاثیر قدمت و کیفیت واحدهای مسکونی بر افزایش خطر تخریب و کاهش ایمنی بافت در هنگام وقوع سوانح: در محله قلعه چهارلان با توجه به نقشه عمر بناهای موجود ۷۰ درصد از آن ها بالای ۳۰ سال عمر داشته و طبق نقشه کیفیت ابنیه این واحدها، ۷۸ درصد از آن ها قابل نگهداری و مرمتی هستند و از مصالح ناپایدار در این واحدها استفاده شده است. همچنین طبق نظر خواهی از ساکنین ۵۷ درصد از آن ها از میزان مقاومت منازل خود در برابر سوانحی چون زلزله از رضایت کم و خیلی کمی برخوردار بوده اند.



شکل ۴: کیفیت و قدمت ابنیه موجود در محله

تاثیر رعایت سلسله مراتب معابر درون محله بر افزایش ایمنی عابران پیاده: در محله قلعه چهارلان سلسله مراتب معابر رعایت شده است. فضاهای عمومی در محله به صورت گذر و میدان، فضاهای نیمه عمومی به صورت یک بن بست اختصاصی یا یک هشتی و فضاهای خصوصی شامل حیاط خانه‌ها به صورت سلسله مراتبی و منظم، ایجاد شده‌اند. مرز بین هریک از این فضاها کاملاً واضح و روشن است.



شکل ۵: سلسه مراتب معابر موجود محله

جدول شماره ۲: دلایل ایمنی در هنگام عبور و مرور در معابر محله طبق نظر ساکنین

درصد	فراوانی	دلایل وجود ایمنی در هنگام عبور و مرور در معابر محله
52.17	172	رفت و آمد پایین وسایل نقلیه به داخل محله به دلیل تنگی معابر
35.86	118	وارد نشدن ناگهانی از درب منزل به خیابان های اصلی اطراف
7.60	25	وجود مسیرهای مخصوص عابرین پیاده داخل بافت محله
4.34	۱۴	فرازدادن موانعی بر سر راه ورود ماشین به داخل بافت
۱۰۰	329	کل

همچنین طبق نظر خواهی از ساکنین، ۶۶ درصد از آن ها در هنگام رفت و آمد در محله به قصد پیاده روی یا انجام امورات روزانه خود، آرامش خاطر و ایمنی زیاد و خیلی زیادی داشته اند. همچنین برای اثبات این مسئله که وجود سلسله مراتب معابر در محله منجر به ایجاد ایمنی برای عابران پیاده شده است، از ساکنین دلایل رضایت بالای آن ها از رفت و آمد در محله با ایمنی و آسودگی خاطر زیاد پرسیده شده، که ۵۲.۱۷ درصد از آن ها، به تردد پایین وسایل نقلیه در معابر درون محله و وارد نشدن ناگهانی آنان از درب منزل خود به معبر شریانی اصلی، اشاره کرده اند.

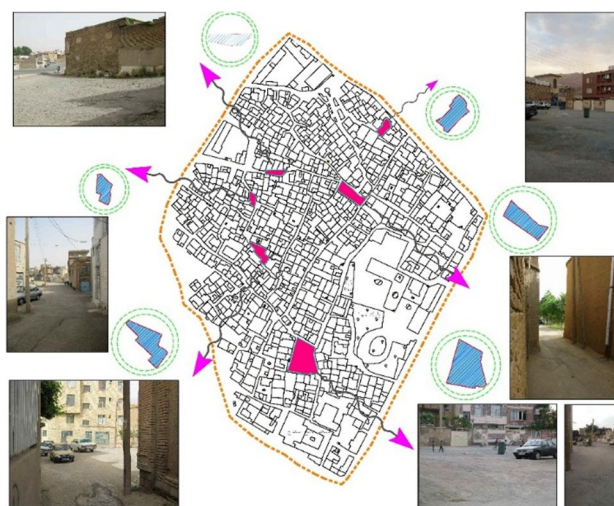
۱۰. شدت تاثیر عوامل ساختار کالبدی محله بر ایجاد و افزایش تعاملات اجتماعی: طبق نظر سنجی از ۱۰۰ نفر از ساکنین در ارتباط با بیشترین عامل کالبدی موثر بر ایجاد ارتباطات اجتماعی بین افراد ساکن ۴۵.۶۰ درصد از آنان استفاده از فضاهای جلوی درب منازل و مغازه ها برای نشستن و ایجاد ارتباط اجتماعی با همسایگان خود را موثر دانسته اند، دلیل این امر را می توان، کم بود

فضاهای عمومی مناسب برای جمع شدن ساکنین، سنتی بودن بیشتر خانواده های ساکن محله و محدود کردن آزادی عمل زنان و دختران در دور شدن از فضای منزل عنوان کرد.

جدول شماره ۳: شدت تاثیر عوامل کالبدی بر ایجاد و افزایش انسجام اجتماعی طبق نظر ساکنین

درصد	فراوانی	مکان های موثر در ایجاد تعاملات در محله
45.60	150	فضای جلوی درب منازل و مغازه ها جهت نشستن با همسایگان خود
18.54	61	فضاهای عمومی محله همچون پارک شهدا
13.06	43	وجود فضاهای باز در محله (تباین فضایی)
22.80	75	خدمات دهی و تنوع بالا در کاربری های موجود در محله (انعطاف پذیری)
۱۰۰	۳۲۹	کل

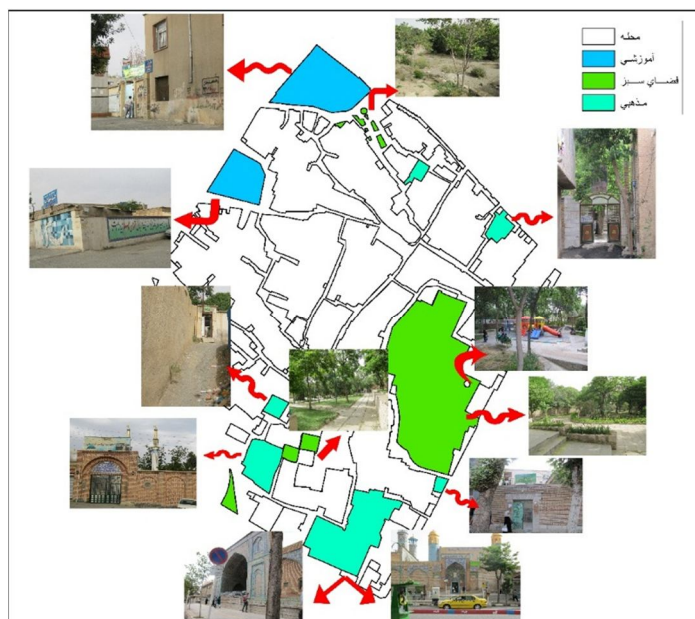
۱۸.۵۴ درصد از ساکنین، فضای پارک شهدا را در ایجاد ارتباطات اجتماعی، موثر دانسته اند، که دلیل پایین بودن میزان این درصد از پاسخ گویان را می توان، ناامن بودن فضای پارک شهدا در محله عنوان کرد، که در بخش مربوط به امنیت، مفصل تر بیان شده است. ۱۳.۰۶ درصد از ساکنین نیز، فضاهای متباین را به عنوان مکان هایی برای جمع شدن به دور هم بیان کرده اند، که دلیل آن را می توان در ساماندهی نکردن این فضاها و تبدیل شدن آنان به مکان های جمع شدن زباله، نخاله های ساختمانی، پارکینگ ماشین و پاتوق معتادین دانست.



شکل ۶: فضاهای متباین موجود در محله

۲۲/۸۲ درصد از ساکنین نیز، تنوع در انعطاف پذیری عملکردی در محله را، دلیل افزایش حضور آنان در فضای محله و به تبع آن افزایش تعاملات اجتماعی عنوان کرده اند، که دلیل درصد پایین از پاسخ

گویان را به این عامل، کمبود فضاهای خدمات رسان و متنوع با کاربری های مختلف و داشتن فقط نقش مسکونی محله می توان بیان کرد.



شکل ۷: انعطاف پذیری عملکردی در محله

بررسی شاخص های کالبدی اثرگذار بر افزایش هویت اجتماعی:

بررسی تاثیر وجود ساختمان های تاریخی بر ایجاد حس هویت اجتماعی: عمر تاریخی و زمان شکل گیری محله قلعه چهارلان، به حکومت قاجاریه و قبل از شروع اقدامات شهرسازی مدرن در ایران، یعنی سال های ۱۳۰۰-۱۰۳۵ برمی گردد. این محله دارای بافتی تاریخی و هویت مند می باشد. هشت اثر تاریخی ثبت شده میراث فرهنگی در این محله وجود دارد، که می تواند در ارتقا هویت محله مؤثر باشد.

در رابطه با شناخت ساختمان های تاریخی موجود در محله از ساکنین سوال شد ۷۸ درصد از ساکنان محله بناهای تاریخی موجود در محله خود را شناختند که نشان دهنده این است بناهای تاریخی موجود در محله در ذهن ساکنین جای گرفته و هویت اجتماعی محله را ارتقاء می دهند.



شکل ۸: مکان های تاریخی در محله

طبق نظر سنجی انجام شده ۵۷.۷۵ درصد از ساکنین تفاوت محله خود را نسبت به سایر محلات دیگر در وجود اماکن تاریخی دانسته اند. که نشان می دهد اماکن تاریخی محله نقش بسزایی در هویت دهی به محله داشته است.

جدول ۳: تفاوت محله با سایر محلات دیگر شهر از نظر ساکنین

درصد	فراوانی	تفاوت محله از نظر ساکنین با سایر محلات
8.51	28	وجود آثار مذهبی (تکیه ها و مساجد)
57.75	190	اماکن تاریخی
29.49	97	نوع معماری ساختمان ها و بافت محله
4.26	14	تفاوتی ندارد
۱۰۰	۳۲۹	کل

بررسی تاثیر نشانه ها و المان های درون محله در تقویت خوانایی بافت و حس جهت یابی ساکنین: چهار مکان شاخص و متمایز در محله قلعه چهارلان وجود دارد. یکی از این مکان ها مسجد جامع و تاریخی شهر سنندج که شکوه عینی معماری اسلامی دوره قاجار می باشد این مسجد در سال های ۱۲۲۶-۱۲۳۲ هجری قمری، به دستور والی وقت این شهر بنا شد، که علاوه بر شاخص بودن آن برای محله، برای شهر نیز به عنوان یک نشانه بارز ایفای نقش می کند. دومین شاخص پارک شهدا می باشد، که تاریخ ساخت آن به اواخر دوره پهلوی دوم برمی گردد. شاخص سوم محله قلعه چهارلان تکیه سید ابراهیم کردستانی این بنا در سال ۱۲۵۰ هجری شمسی ساخته شده است.

سردرب اشرف نظام به عنوان شاخص چهارم محله یکی از آثار تاریخی ثبت شده میراث فرهنگی است ، که تاریخ ساخت آن به دوره ی قاجاریه برمی گردد . به عنوان یک سری نشانه های هویت زا برای محله ایفای نقش کرده به گونه ای که محله با این عناصر شناخته شده و دارای یک شخصیت تاریخی و فرهنگی شده است . همچنین طبق پرسش از ۳۲۹ نفر از ساکنین ۴۴ درصد از آنان نشانه های موجود در محله را در کمک به جهت یابی در بافت محله موثر دانسته اند . پس نتیجه میگیریم که این نشانه ها در هویت دهی به محله موثر بوده اند.



شکل ۹: مکان های شاخص موجود در محله

بررسی شدت عوامل کالبدی بر کاهش امنیت اجتماعی و بصری بافت محله قلعه چهارلان طبق نظر ساکنین: با توجه به پرسش به عمل آمده از ساکنین، در ارتباط با عوامل ایجاد ناامنی در محله قلعه چهارلان، (۳۳.۷۴) درصد از آنان، وجود زمین های رها شده بدون هیچ گونه کاربری و استفاده مشخصی را ، دلیل کاهش امنیت بافت عنوان کرده اند، زیرا به پاتوق معتادین و مجرمین در داخل بافت محله ، بدل شده است و به خصوص در شب ناامنی محله را بیشتر افزایش می دهد . ۲۶.۱۴ درصد از ساکنین نیز ، وجود پارک شهدا را در کاهش امنیت محله ، موثر دانسته اند، چرا که این پارک نیز به محل جمع شدن معتادین و برهکاران و انجام اعمال نامناسب تبدیل شده است و ساکنین محله، به خصوص زنان و کودکان، بسیار کم از فضای پارک استفاده کرده و احساس ناامنی می کنند ۴۰.۱۰ درصد از ساکنین نیز، وجود کوچه های محصور و تعدد وجود بن بست های محله را ،دلیل بر ناامنی دانسته اند، زیرا که در برخی از مواقع شبانه روز، مانند شب و ساعاتی از ظهر که تردد و رفت

و آمد افراد کم تر است، این کوچه ها و معابر به محل جمع شدن افراد نامناسب و معتادین تبدیل می شود، در نتیجه امنیت اجتماعی بافت را کاهش می دهد .

جدول شماره ۴: عوامل کالبدی موثر بر کاهش امنیت اجتماعی

درصد	فراوانی	فضاهای ناامن در محله
33.74	111	(فضاهای رهاشده)
26.14	86	پارک شهدا
40.10	132	محسوریت معابر و کوچه های بن بست
۱۰۰	۳۲۹	کل

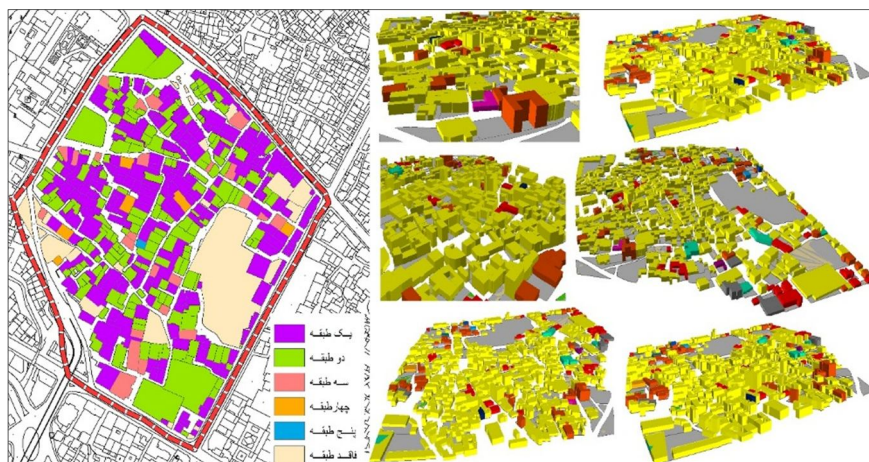
تاثیر نحوه ی قرارگیری درب ورودی منازل و ارتفاع بازشوها بر امنیت بصری : درب خانه ها در محله ی قلعه چهارلان رو به روی هم باز نمی شوند و فاصله بین تمامی آن ها رعایت شده است و ارتفاع پنجره های منازل موجود در محله نیز از سطح زمین زیاد بوده و به گونه ای است که فرد نمی تواند از داخل کوچه درون منزل شخص را ببیند در نتیجه امنیت بصری و اصل رعایت حریم خصوصی را برای ساکنان ایجاد کرده است . و طبق نظر ساکنین ۶۹ درصد از آن ها معتقد بوده اند که دو عامل طرز قرارگیری درب منازل و ارتفاع بازشوها از سطح معابر مناسب بوده و مزاحمت بصری برای آنان فراهم نکرده و حریم خصوصی منازلشان حفظ شده است .



شکل ۱۰: قرارگیری درب منازل روبه روی هم

تاثیر اختلاف ارتفاع بین بناهای محله بر امنیت بصری : طبق نقشه طبقات ساختمانی محله قلعه چهارلان، ۵۴ درصد از ابنیه محله یک طبقه بوده و نزدیک به ۳۵ درصد دوطبقه می باشد ، که نشان دهنده ی پایین بودن تعداد طبقات ساختمانی در محله است . مطابق با نقشه سه بعدی تعداد

طبقات ساختمانی محله قلعه چهارلان، تمامی خانه‌ها در بافت محله در یک ارتفاع و به صورت هماهنگ احداث گردیده‌اند و اختلاف ارتفاع چندانی میان بناهای محله وجود ندارد. لذا محرمیت از لحاظ بصری از منظر تعداد طبقات ساختمانی، برای محله رعایت شده است.



شکل ۱۱: تعداد طبقات و سیمای حجمی کلی محله

همچنین طبق نظر سنجی انجام شده ۷۷ درصد ساکنین بر این معتقد بوده‌اند که عدم اختلاف ارتفاع بین بیشتر ساختمان‌های درون محله موجب ایجاد امنیت بصری و جلوگیری از اشرافیت در به وجود آوردن دیدهای غیرضروری گردیده است.

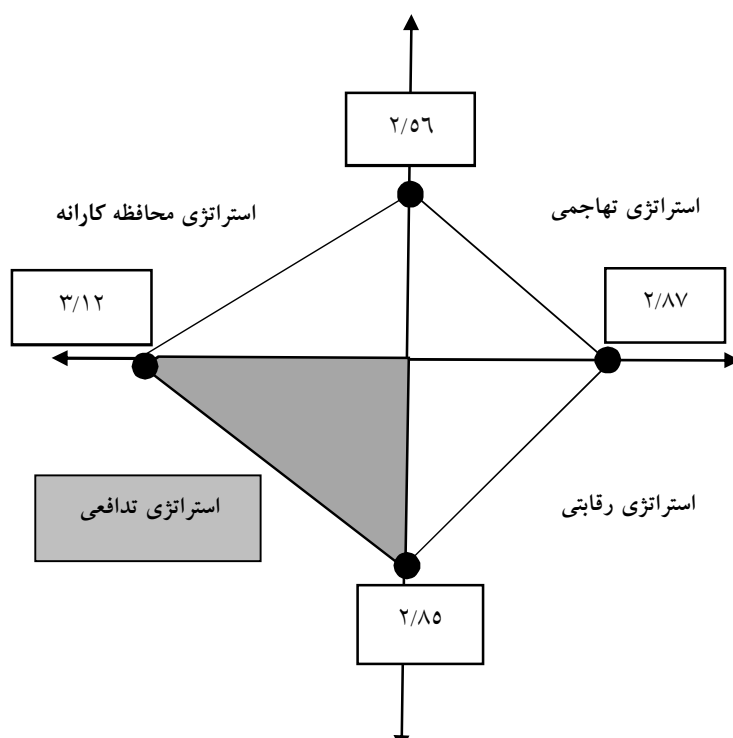
تهدید	فرصت	ضعف	قوت
خطر افزایش خسارت‌های مالی و جانی به دلیل نبود فضاهای باز و ناموزون بودن رابطه بین توده و فضا	جلوگیری از یکنواختی فضاهای ارتباط‌دهنده در محله و ایجاد تنوع کالبدی به واسطه وجود فضاهای متباین	نبود رابطه‌ی متعادل بین توده و فضا و کمبود فضاهای خالی داخل بافت محله	وجود فضاهای متباین داخل محله
خطر تبدیل فضاهای متباین به مکان‌های جرم خیز و ناامن	افزایش و ارتقا شخصیت تاریخی و فرهنگی محله به دلیل وجود بناهای تاریخی	کمبود فضاهای عمومی داخل بافت محله	وجود بناهای تاریخی و ثبت‌شده میراث در محله
کاهش امنیت درون بافت محله به دلیل وجود محصوریت بالا	تقویت خوانایی بافت تاریخی و فرهنگی از طریق ایجاد شبکه‌ای به هم پیوسته از عناصر یادمانی و خاطره‌ای	عمر بالای واحدهای مسکونی و ناپایداری مصالح ابنیه موجود در محله	وجود نشان‌های هویت زا مانند مسجد جامع در محله
افزایش خطر تخریب و آسیب دیدگی بافت در هنگام وقوع زلزله به دلیل بالا بودن عمر ابنیه و مصالح ناپایدار واحدهای مسکونی	افزایش سطح ایمنی عابران پیاده و افزایش حضور ساکنین با آرامش و امنیت خاطر در محله به واسطه وجود سلسله مراتب معابر به صورت استاندارد	نبود انعطاف‌پذیری در عملکردها (پاسخگو نبودن کاربری‌ها به اقشار و سنین مختلف ساکن محله)	وجود دیدهای هویت زا از داخل محله به سمت مناره های مسجد جامع
خطر خروج ساکنین بومی بخصوص قشر جوان از محله به دلیل برآورده نشدن نیازهایشان و نبود انعطاف‌پذیری در عملکردها	افزایش امنیت کالبدی به واسطه وضوح قلمروهای فضایی داخل بافت	پایین بودن سطح و سرانه کاربری‌های خدماتی موجود در محله	وجود مرز روشن و وضوح لازم بین قلمروهای فضایی موجود در محله
خطر کاهش امنیت بافت محله به دلیل تبدیل شدن فضای پارک به یک فضای بی‌دفاع و رهاشده	افزایش حس تعلق و امنیت به واسطه وجود فضاهای نیمه عمومی - نیمه خصوصی در محله (سکو، هشتی و بن‌بست‌ها)	کمبود پارک و فضاهای تفریحی و فراغتی در محله	وجود بن‌بست‌های متعدد در داخل بافت محله
کاهش سطح روابط و انسجام اجتماعی درون محله به دلیل نبود فضاهای جمعی و عمومی	قوت بخشیدن به زندگی اجتماعی و افزایش آشنایی ساکنان باهم به علت وجود بن‌بست‌ها در محله	ناامن بودن فضای پارک شهدا به دلیل حضور معتادین و مجرمان در آن	رعایت اصل حریمت گرایی در محله به دلیل قرارگیری مناسب درب منازل روبه روی هم، ارتفاع مناسب بازشوها از سطح زمین و نبود دیدهای غیر ضروری به واسطه نبود اختلاف ارتفاع زیاد در طبقات
تنزل کیفیت کالبدی به علت عدم ارائه‌ی خدمات مناسب	افزایش امنیت بصری و اصل حریم خصوصی به واسطه رعایت اصل حریمت گرایی در محله	نبود فضاهای طراحی شده و سامان‌دهی شده در محله به عنوان پاتوق	نفوذپذیری مناسب حرکت پیاده در درون بافت محله
خطر ایجاد اغتشاش بصری و تهدید هویت تاریخی و فرهنگی محله به دلیل وجود نوسازی‌های داخل بافت	امکان مرمت ابنیه با ارزش میراثی و ایجاد محدوده گردشگری در بافت	تجمع زباله‌های خانگی و نخاله‌های ساختمانی در برخی از فضاهای متباین و دنج موجود در محله	رعایت سلسله مراتب معابر در محله
خطر پیدایش معضلات اجتماعی و امنیتی در برخی از نقاط بر اثر بی‌توجهی و یا طراحی نامناسب فضاهای عمومی		نفوذناپذیری بیشتر از نصف معابر درون محله	

۱۳. تحلیل سوات محله به روش فازی سازی در جهت پیدا کردن نوع راهبرد مورد نظر در محله: ماتریس سوات امکان تدوین چهار انتخاب یا راهبرد متفاوت را فراهم می آورد. البته در جریان عمل برخی از راهبردها با یکدیگر همپوشانی داشته ، و یا به طور همزمان و هماهنگ با یکدیگر به اجرا درمی آیند. بر حسب وضعیت سیستم ، چهار دسته راهبرد را که از نظر درجه ی کنشگری متفاوت هستند می توان تدوین کرد. (گلکار، ۱۳۸۴: ۵۰)

جدول شماره ۶: ضرایب نهایی پارامترهای سوات

ضریب نهایی	پارامترهای سوات
۲/۵۶	قوت
۲/۸۵	ضعف
۲/۸۷	فرصت
۳/۱۲	تهدید

با استفاده از توزیع پرسش نامه هایی در بین متخصصین و کارشناسان که به نوعی با محله قلعه چهارلان آشنایی داشتند در رابطه با نقاط قوت ، ضعف ، فرصت و تهدید کالبدی محله با استفاده از روش فازی سازی به تحلیل آن پرداخته و با وزن بندی و به دست آوردن ضرایب و رتبه های نهایی این نقاط به این نتیجه رسیدیم که چون ضریب نهایی نقاط تهدید، معادل ۳/۱۲ بوده و به عدد چهار نزدیکتر می باشد ، بدین معنی است که این وضعیت ، در محله بیشتر باید مورد توجه قرار گرفته و راهبردها در این راستا باید اتخاذ شوند.



شکل ۱ نمودار شماره ۲: ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک با اعمال ضرایب هر یک

طبق نمودار ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک با اعمال ضرایب نهایی، نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت، چون مساحت سطح زیر منحنی های تهدید و ضعف بیشتر بوده لذا جهت ساماندهی ساختار کالبدی، برای انطباق با بافت اجتماعی محله، باید استراتژی های تدافعی به عبارتی کاهش ضعف های سیستم برای کاستن و خنثی سازی تهدیدها، اتخاذ شود.

نتیجه گیری نهایی: نبود تعادل بین توده و فضا و کم بود فضاهای عمومی در محله با توجه به بیشتر بودن سهم اعیان نسبت به عرصه منجر به کاهش ایمنی بافت در هنگام بروز سانحه شده است همچنین قدمت بالای واحدهای مسکونی ایمنی ساختمانها را در هنگام بروز سوانح طبیعی کاهش داده است و نفوذناپذیری بالای معابر بافت نیز موجب کاهش ایمنی و خدمات رسانی در هنگام بروز سانحه در محله به دلیل آمادورفت مشکل خودروهای امداد رسان می شود و رعایت سلسله مراتب معابر در محله ایمنی عابران پیاده را در هنگام عبور و مرور در محله تأمین نموده است. وجود فضاهای متباین نیز به عنوان یکی دیگر از شاخص های کالبدی در محله می تواند در افزایش انسجام و تعاملات اجتماعی ساکنین با فراهم کردن بستر برای جمع شدن آنها به دورهم تأثیرگذار باشد ولی به علت

ساماندهی نشدن این فضاها و تبدیل شدن آن‌ها به مکان جمع شدن معتادین و بزهکاران باعث کاهش امنیت محله شده و تأثیری برافزایش انسجام اجتماعی محله ندارد. سکو و پله جلوی درب منازل و یا مغازه‌ها در نقاطی از محله توانسته است تعاملات و ارتباطات همسایگی را افزایش داده و انسجام اجتماعی بیشتری را در محله شکل دهد و از طرفی امنیت در محله را افزایش داده چراکه با حضور و نظارت ساکنین رفتار و حرکات افراد تازه‌وارد به محله کنترل می‌شود. انعطاف‌پذیری پایین در محله قلعه چهارلان و کمبود کاربری‌های خدماتی و مناسب برای ساکنین با سنین و جنسیت‌های مختلف موجب کاهش تمایل آن‌ها به گذراندن وقت در بیرون از منازل می‌شود و کاهش تعاملات و انسجام اجتماعی ساکنین را سبب شده است. وجود عناصر هویت‌بخش در محله به‌عنوان یکی از شاخص‌های ساختار کالبدی که شامل ساختمان‌های تاریخی، المان‌ها و نشان‌های مهم در محله و دید به سمت این المان‌ها و نشانه‌ها می‌باشد در ارتقا بعد هویت محله تأثیرگذار بوده است و وجود هشت اثر تاریخی ثبت‌شده میراث در داخل محله و نشانه‌های مهمی چون مسجد جامع و پارک شهدا به علت داشتن عمر و قدمت تاریخی بالا و دید به سمت مسجد جامع از داخل محله همگی توانسته‌اند در ارتقا شخصیت تاریخی و فرهنگی و افزایش سطح هویت زایی و خوانایی بافت محله تأثیرگذار باشند. پس ساختار کالبدی محله توانسته است انطباق لازم را با هویت به‌عنوان یکی از شاخص‌های ساختار اجتماعی محله داشته باشد. قرارگیری صحیح درب منازل مسکونی موجود در محله به‌طوری‌که رو به روی هم باز نمی‌شوند، جانمایی بازشوها در ارتفاعی مناسب از سطح کوچه به‌گونه‌ای که داخل منزل به‌وسیله‌ی عابران دیده نمی‌شود و همچنین عدم اختلاف ارتفاع زیاد در واحدهای ساختمانی موجود در محله و نبود اشرافیت و دیدهای غیرضروری همگی منجر به ایجاد امنیت بصری در محله قلعه چهارلان شده‌اند لذا امنیت بصری موجود در محله نشان از وجود انطباق و سازگاری بین ساختار کالبدی با ساخت اجتماعی دارد. وجود فضاهاى ره‌اشده در محله که کاربری مشخصی برای آن‌ها تعریف نشده به دلیل تبدیل شدن آن‌ها به محلی برای تجمع معتادین و بزهکاران موجب کاهش امنیت اجتماعی بافت شده است. بن‌بست‌های متعدد در محله به دلیل اینکه در ساعاتی از شبانه‌روز به محل جمع شدن معتادین و بزهکاران تبدیل می‌شود و امنیت اجتماعی ساکنین محله را به خطر می‌اندازد. برای مشخص کردن نوع راهبرد اتخاذشده در راستای ساماندهی کالبدی محله، در راستای انطباق هر چه بیشتر با بافت اجتماعی از طریق روش فازی سازی، جدول سوات را تحلیل

نموده، و دو راهبرد تدافعی و محافظ کارانه را در محله اتخاذ نمودیم. در نهایت با توجه به روش فازی سازی سوات کالبدی محله قلعه چهارلان و با وزن بندی و به دست آوردن ضرایب و رتبه های نهایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید محله به این نتیجه رسیدیم که راهبرد تدافعی می تواند راه حل مناسبی برای ایجاد ساماندهی محله قلعه چهارلان در ارتباط با ایجاد سازگاری مابین ساختار کالبدی و اجتماعی محله شود.

۱۵. پیشنهادات برای بهبود وضعیت محله در قالب راهبردهای تدافعی:

۱. افزایش سطح امنیت فضای پارک محله در جهت جلوگیری از تبدیل شدن آن به یک فضای بی دفاع و رهاشده در مقیاس بزرگ:

➤ افزایش میزان نورپردازی در انتهای فضای پارک

➤ ایجاد کاربری های فعال در فضای انتهایی پارک

➤ استفاده از مشارکت ساکنین برای همکاری با مامورین نیروی انتظامی

➤ امکان نظارت نیروی انتظامی در ساعاتی از شبانه روز به خصوص در هنگام شب

۲. بازسازی و نوسازی ساختمان های فرسوده در جهت جلوگیری از افزایش خطر تخریب و آسیب دیدگی بافت محله در هنگام وقوع زلزله:

➤ تخریب و نوسازی ساختمان هایی با قدمت بسیار بالا و مصالح ناپایدار

➤ مرمت و بازسازی ساختمان های ارزشمند ولی فرسوده

➤ اختصاص وام هایی به ساکنان در جهت تسهیل در بازسازی و نوسازی ساختمان های فرسوده

➤ ایجاد دفاتر بهسازی و نوسازی در داخل بافت محله

➤ ایجاد صندوق های مالی برای مشارکت ساکنین باهم در جهت تامین منابع مالی بازسازی و نوسازی ساختمان های فرسوده

۳. برقراری رابطه ی مناسب بین توده و فضای محله در جهت جلوگیری از افزایش خطر خسارت های مالی و جانی:

➤ ایجاد فضاهای باز داخل محله برای جمع شدن ساکنین در مواقع خطر

- اصلاح و ساماندهی ریزدانگی قطعات از طریق فرایند تجمیع در برخی نقاط محله
 - کاهش میزان تراکم ساختمانی در محله
۴. ساماندهی فضاهای متباین جهت جلوگیری از تبدیل شدن این گونه فضاها به مکان های جرم خیز و نا امن:
- طراحی و فضا سازی فضاهای متباین از طریق ایجاد مبلمان ، نورپردازی ، کف سازی مناسب
 - جلوگیری از خلوت شدن فضا با ایجاد کاربری های جاذب جهت حضور و جذب مردم
۵. تجمیع قطعات ریزدانه و فرسوده بافت در جهت آزاد سازی فضا:
- اعطای وام و تسهیلات بانکی به ساکنین
 - برگزاری کارگاه های نیازسنجی و تسهیل گری در درون بافت در جهت افزایش مشارکت ساکنین و همکاری هر چه بیشتر آنان
۶. اصلاح دسترسی و ایجاد امکان نفوذ پذیری در برخی نقاط بافت در جهت تسهیل امداد رسانی در هنگام وقوع حادثه:
- تعریض در برخی معابر درون بافت جهت سهولت در عبور و مرور وسایل نقلیه (خودروهای امداد رسان)
 - عقب نشینی برخی ساختمان ها در هنگام نوسازی جهت تعریض معبر
۷. افزایش سطح انعطاف پذیری محله (توجه به حضور تمامی گروه های مختلف اجتماعی در فضاهای عمومی) در جهت جلوگیری از خطر خروج ساکنین بومی بخصوص قشر جوان از محله:
- برقراری امکان فعایت گروه های سنی و جنسی مختلف در فضا
 - ایجاد امکان حضور سالخوردگان در فضا
 - تسهیلات لازم برای گردهمایی جوانان و حضور آنان در فضا
 - توجه به راحت بودن زنان برای حضور در فضا
۸. ایجاد فضاهای سبز عمومی ، تفرجگاهی و گردشگری:
- مکان یابی و ایجاد پارک های درون محله
 - مکان یابی و ایجاد فضاهای بازی برای کودکان

۹: ایجاد مراکز خدماتی درمقیاس محله و رساندن سطوح و سرانه ها به حد مطلوب در جهت جلوگیری از خطر تخلیه شدن و نابودی بافت از ساکنین محله:

➤ ایجاد کاربری های تجاری خرد در حد تامین نیازهای روزانه ساکنین به صورت متوازن در نقاط محله

➤ ایجاد کاربری درمانی (درمانگاه) و کاربری ورزشی برای جوانان و زنان (باشگاه ورزشی)

➤ ایجاد کاربری های تفریحی و فرهنگی (کانون های فرهنگی ، کلاس های موسیقی ، خوشنویسی و...)

۱۰. افزایش سطح امنیت بن بست ها در فضای محله:

➤ ایجاد نورپردازی در بن بست ها

➤ استقرار کاربری ها و بخش های فعال در شب در مجاورت بن بست ها

➤ تعریف کردن ورودی های مناسب برای بن بست ها برای حفظ حریم ساکنان آن و جلوگیری از ورود افراد غریبه

➤ جاذب نبودن ورودی بن بست ها جهت انحصار استفاده ساکنین

➤ حذف گوشه ها و کنج های بسیار کم تردد و تاریک

منابع

۱. اصغر زمانی، اکبر (۱۳۹۱)، بررسی کیفیت دسترسی به فضاهای باز شهری به هنگام وقوع حوادث غیرمترقبه طبیعی نمونه موردی: شهر تبریز، مجله علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی.
۲. امین زاده، بهناز و نقی زاده محمد (۱۳۸۱) نشریه: صفه.
۳. اسدی محل چالی، مسعود (۱۳۹۲) شناخت‌شناسی معماری و شهرسازی اسلامی درکنشی دوسویه باروح عصر ما، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۴. ثقه‌الاسلامی، عمید السلام و بهنازی فرد، مریم (۱۳۹۱) تحلیل مرزبندی محلات قراردادی با استفاده از نقشه‌های شناختی ساکنین نمونه موردی: محله بندی شهرداری مشهد، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
۵. ثقه‌الاسلامی، عمید الاسلامی و امین زاده، بهناز (۱۳۸۶) بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به‌کاررفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی، مجله هویت شهری، ص ۳۴.
۶. تختی، بیتا (۱۳۸۵)، نقش فضاهای بی دفاع شهری در کاهش حس امنیت در شهروندان، مجله مسکن و محیط روستا.
۷. توسلی، محمود (۱۳۷۶) اصول و روش‌های طراحی فضاهای شهری در ایران، جلد اول.
۸. توسلی، محمود و بنیادی، ناصر (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ دوم.
۹. دزفولی، عطیه و محمدی، حامد، (۱۳۹۱)، بازتعریف محله های اصیل درسایه اقتضائات شهرسازی مدرن معماری ایران، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی مشهد.
۱۰. راپوپورت، ایماس (۱۳۸۴)، معنی محیط ساخته شده رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه حبیب‌فرح، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری
۱۱. رستگار، نوشین و فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۲) بررسی نقش مراکز اجتماعی - فرهنگی بر احیای هویت محله‌ها، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۲. رضوانی، سعید و دیگران (۱۳۹۰)، تأملی در مفهوم و عملکرد پاتوق در فضای شهری و ماندن در فضا همشهری معماری ماهنامه معماری و شهرسازی.
۱۳. زرقی، مریم و بیکی، سمیه (۱۳۹۲) بررسی جایگاه مؤلفه‌های سازنده شهرسازی اسلامی در محله‌های سنتی ایران با تأکید بر محله حصیر فروشان شهر بابل، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۴. سجاد زاده، حسن و غلامی، شیما (۱۳۹۲) نقش عوامل کالبدی در ایجاد امنیت محیطی در محلات سنتی نمونه موردی محله فیض‌آباد کرمانشاه، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۵. شاطریان و دیگران (۱۳۸۹)، سنجش رابطه ی بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی، مطالعه موردی: محلات حاشیه نشین و غیره حاشیه نشین شهرآران و بیگدل، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی.

۱۶. صفایی پور، مسعود و روزبه حبیبه (۱۳۹۲) هویت و توسعه‌ی پایدار محله‌ای در شهر شیراز مورد: محله‌ی فخرآباد، مجله جغرافیا و توسعه.
۱۷. علی‌آبادی، محمد (۱۳۸۳) بررسی رابطه ذاتی روح و کالبد در نظام توسعه پایدار محله از دیدگاه اسلام، همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران.
۱۸. عطاریان، کوروش و حاجیان، فاطمه (۱۳۹۲) بررسی عوامل محیطی مؤثر در نوسازی بافت فرسوده‌ی شهری به‌منظور افزایش امنیت کالبدی محله‌ی شنبندی بوشهر، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار.
۱۹. غلامی، محمد و حیاتی، عقیل (۱۳۹۲) بررسی تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی: محله اوین شهر تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی.
۲۰. فرهودی، رحمت‌الله رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۶) سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران، نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران.
۲۱. قره بگلو، مینو و باقری، محمد و سجادی، سیده گلرخ (۱۳۹۲) مؤلفه‌های محیطی تأثیرگذار در ارتقاء تعاملات اجتماعی در محلات مسکونی معاصر با رویکرد به فرهنگ ایرانی- اسلامی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۲۲. کوهی فرد، الناز (۱۳۹۲) بررسی نظری مفهوم محله و تأثیر هویت بر شکل‌دهی آن در معماری، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار.
۲۳. گلکار، کوروش (۱۳۸۴)، مناسب سازی تکنیک تحلیلی سوات برای کاربرد در طراحی شهری، فصلنامه علمی پژوهشی.
۲۴. مضطرزاده، حامد و حجتی، وحیده، (۱۳۹۲). تبیین مفهوم محله و عناصر شکل دهنده آن در بافت محلات سنتی ایران، ماهنامه کتاب ماه هنر تهران،
۲۵. محمدی، جمال (۱۳۸۱)، تحلیلی بر تکوین ساختار محله و جایگاه آن در سازمان فضایی شهر، مجله جغرافیا و برنامه ریزی شهری زمستان.
۲۶. موحد، علی و شماعتی، علی و زنگانه، ابوالفضل (۱۳۹۱) بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی تخصصی برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
۲۷. Al-Bishawi, Manal A. (2015). Physical space, social behaviour and socioeconomic changes in traditional neighbourhoods: A case study of the traditional city of Nablus. City, Culture and Society Press
۲۸. Schwanen, Tim, (2005). What affects commute mode choice: neighborhood physical structure or preferences toward neighborhoods. Journal of Transport Geography.
29. Hatefi Shogae, Somayeh (2016). Comparison of Physical Structure of Iran Traditional Neighborhoods Based on Living Center Theory of Christopher Alexander (Case Study: Haji and Kolapa Neighborhoods in Hamedan). Canadian Center of Science and Education.
30. Lenzi, Michela (2013). How Neighbourhood Structural and Institutional Features Can shape Neighborhood Social Connectedness: A Multilevel Study of Adolescent Perception, Society for Community Research and Action.